

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۱۷ سپتمبر ۲۰۱۲

## به یاد یاران بیادماندنی

بجا و لازم است تا دو سند را من حیث المجموع از زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی در دهه شصت زنده نگه داشت. سند مقاومت و پایداری و ایستادگی تا پای مرگ، و دیگری سند تسلیم و عقب‌نشینی و همکاری با شکنجه‌گران و جلادان.

البته که تعبیر و تفاسیر گونه‌گونه‌ای از زندان و زندانیان سیاسی در این روزها و در دنیای عقب‌نشینی و همچنین در دنیای فعالیت‌های غیر فعال و رو در رو وجود دارد؛ تعبیری که مبین دو برداشت متضاد از هم و نمایان‌گر رواج روحیه مقاومت و پایداری آرمان کمونیستی و همچنین ترویج یأس و ناامیدی‌هاست. شنیده و خوانده‌ایم و دیده‌ایم که تفاوت است مابین عنصر پیشرو و پیگیر، با عنصر پس‌رو و ناپیگیر. خوانده و شنیده‌ایم که زندان‌های مخوف سرمایه در درون خود همواره این دو عنصر و این دو پدیده ناهمگون را پرورش داده و می‌دهند و به تفسیر واقع‌بینان و حقیقت‌جویان یکی نماد فداکاری تا سر حد مرگ به حساب آمده و دیگری نمایان‌گر عقب‌نشینی و تزلزل به‌منظور بقای فردی‌ست؛ بقائی که مبلغ و مروج ایده ناداومی در مقابل شکنجه‌گران و جلادان، و خلاصه در میدان متفاوت مبارزاتی علیه دشمنان طبقاتی و آشتی‌ناپذیر کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد.

در حقیقت زندان و جامعه ایران هم همواره با این دو فکر و با این دو اندیشه در کشاکش بوده است؛ کشاکشی که بدون کمترین شک و شبهه‌ای می‌توان آن را به پای گرایش‌ها و افکار متفاوت طبقاتی نوشت. به هر حال و فارغ از برداشت‌ها و ارزیابی‌های یکایک‌مان پیرامون زندان و زندانیان سیاسی، یک نکته حقیقی – عملی را نمی‌توان از قلم انداخت و آن این است که توده‌های محروم ایران، عملاً با افکار و یا از اعمال کسانی مفتخراند، که فریب وعده و وعیدهای دروغین حاکمان را نخورده و پشت به مردم نکرده و در جهت ماهیت واقعی سران حکومت‌ها گام برداشتند و ایستادند و دست رد بر تمامی خواسته‌های جانین بشریت زدند. مگر بی دلیل است که همواره از افکار و از اعمال کسانی به نیکی یاد می‌کنند که دشمن را در هر لباسی افشاء نمودند و به ارابه و همکاران نظام جمهوری اسلامی تبدیل نگردیدند؟ مگر بی دلیل است که هر ساله یاد آن عزیزانی را گرامی می‌دارند که در درون سیاه‌چال‌های مخوف جمهوری اسلامی، راه پیش را بر راه ایستائی و پس، مقدم شمردند؟ آری، یاران دهه شصت از این دسته‌اند و به‌همین دلیل بیادماندنی‌اند و هرگز و هرگز از خاطره‌ها نخواهند رفت و نه فراموش شدنی‌اند و مهمتر

از همه این‌ها نه گذشت زمان قادر به التیام زخم‌های خانواده هزاران زندانی سیاسی کمونیست و مبارز، که در دادگاه‌های فرمایشی و چند ثانیه‌ای به جوخه مرگ سپرده شدند، می‌باشد.

در این دهه سران رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا و با سازماندهی نوین به میدان آمدند و گرفتند و گشتند، تا چرخش و منفعت سرمایه‌داری وابسته ایران مختل نگردد. حامیان سرمایه در این دهه بر دامنه بگیر و ببندها و خفقاقت افزودند و هر اعتراض و مخالفتی را، به بهانه جنگ با کفر، سرکوب و زندان‌ها را پر از کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان نمودند؛ سازمان‌های سیاسی و کمونیستی را یکی از پس دیگری پس زدند تا با خیالی آسوده سیاست‌های ارتجاعی و منفعت‌جویانه خود را به پیش ببرند.

دهه شصت، از یک‌طرف دهه مرگ و دهه ترس و وحشت و دهه تعرض بی‌امان به میلیون‌ها انسان محروم توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، و از طرف‌دیگر دهه مقاومت و ایستادگی کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان علیه ارگان‌های مخوف سرمایه و آن‌هم در میادین متفاوت مبارزاتی بود؛ دهه‌ای بود که اندیشه کُشتار، سرکوب و شکستن قلم و مثله نمودن بدن‌های لت و پار شده زندانیان سیاسی در درون جامعه و در درون زندان‌ها دور تازه‌ای به خود گرفت و سران حکومت آن‌چنان جنایاتی در ایران مرتکب گردیده‌اند که توضیح و ترسیم تمامی آن‌ها ناممکن می‌باشد؛ دهه‌ای بود که در خیابان‌ها ارگان‌های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی خون ریختند و با دادگاه‌های چند ثانیه‌ای به‌منظور برخورد با "سر موضع"ی‌ها سیاست حذف فیزیکی را به‌عنوان سیاست روزمره خود تبدیل نمودند.

به بیانی حقیقی فرمان قتل عام زندانیان سیاسی با نقشه‌ای سازمان‌یافته از جانب خمینی - و تحت عنوان " ... کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رأی اکثریت آقایان حجه الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد"، - صادر گردید و در مدت زمانی کوتاه مجریان و قداره‌بندان، به جان زندانیان افتادند و با محاکمات دوباره و چند ثانیه‌ای، هزاران زندانی سیاسی کمونیست و مبارز و مخالف را به دلیل تن ندادن به‌خواسته‌های ارتجاعی‌شان به مسلخ مرگ کشاندند. هزاران کُشته و معلول و زخمی و قربانی، محصول تحرکات ضد انقلابی سران حکومت در درون زندان‌ها در دهه شصت بوده است و به‌همین دلیل است که تابستان هر سال یادآور خاطره آن دردها و رنج‌ها، و پایداری و ایستادگی زندانیان سیاسی از یک‌سو، و آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از سوی‌دیگر می‌باشد.

زمان نوشیدن جام زهر از جانب خمینی در جنگ امپریالیستی و خانمان‌سوز ایران و عراق فرا رسید. هشت سال جنگ و بدبختی و هشت سال وعده و وعیده‌های دروغین مبنی بر پیروزی "کفر بر اسلام"، جامعه و فضای ایران را به تلی از کُشته و ناداری تبدیل نموده بود. افکار عمومی در انتظار تغییر بعد از پایان دوران حکومت شاهنشاهی بود و تصورات بر آن بود که نسیم آزادی در سرتاسر ایران طنین خواهد انداخت و دیگر نه از بگیر و ببندها و سرکوب و شکنجه کمونیست‌ها و مبارزان، خبری خواهد بود و نه میلیون‌ها انسان در فقر و ناداری غوطه‌ور خواهند شد. اما غافل از آن‌که وظیفه رژیم جمهوری اسلامی تداوم سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و نظامی حکومت گذشته و تأمین منفعت سرمایه‌داران جهانی بوده - و می‌باشد - . درست چهل روز بعد از بر سر کار گماردن رژیم جمهوری اسلامی بود که سران حکومت، اولین نروز را به کام میلیون‌ها خلق گرد تلخ نمودند و در مدت زمانی کوتاه و در چهار چوبه سیاست‌های امپریالیستی شعله‌های جنگ

را بر افروخته‌تر نمودند؛ جنگی که هزاران نیروی انسانی را در کام خود بلعید و وظیفه‌اش تخطئه جنبش‌های اعتراضی کارگری – توده‌نی سرتاسر جامعه ایران بود.

به باور حاکمان ایران، بر افروختن جنگ امپریالیستی ایران و عراق "نعمت الهی" برای آنان بود. چرا که توانستند به بهانه مبارزه با "متجاوزین" هر اعتراض و مخالفتی را سرکوب نمایند و به تبع از آن و در دوران پایانی و آتش بس و آن هم تحت لوای "بازسازی و سازندگی" آن‌چنان جنایاتی را در حق زندانیان سیاسی در غل و زنجیر مرتکب گردند که طرح و بیان دوباره آن‌ها تکان‌دهنده و دل هر انسان آزاده‌ای را می‌آزاند. در چنین دوره‌ای بود که جامعه ایران شاهد اعدام‌های دسته‌جمعی فرزندان کارگران و زحمت‌کشان در درون زندان‌ها بود؛ در این زمان بود که بار دیگر زندانیان محکوم شده به دلیل عدم همکاری و پایداری به مواضع شان مجدداً مورد محاکمه قرار گرفته و به جوخه‌های مرگ سپرده شوند؛ در این دوره بود که هزاران زندانی سیاسی مقاوم از جان خود مایه گذاشتند و دست رد به خواسته‌های ارتجاعی حاکمان ایران زدند و صف خود را با کرنش‌گران و تسلیم‌طلبان مجزا نموده و آن‌چنان خاطره و دلاوری‌هایی از خود بر جای گذاشته‌اند که کمتر کسی‌ست، تا یاد آن یاران را گرامی ندارد و از آنان به نیکی یاد نکند. آری، زندانیان کمونیست و مبارزی که در درون خود، سیاست ایستادگی و پایداری را نهادینه نمودند و مرگ را به سُخره گرفتند.

واقعیت این است که تلاش جمهوری اسلامی بر آن بود تا زندانیان "سر موضع" را به تسلیم وا دارد و به‌همین دلیل بعد از پایان جنگ ایران و عراق، سوالات کلیشه‌ای و دست‌چین شده را در مقابل هزاران زندانی سیاسی قرار داده و پاسخ منفی به هر یک از آن‌ها، جایگاه زندانی را درون زندان‌ها معین می‌نمود و طناب دار و میادین اعدام در انتظار پایداران راه انقلاب و رهائی نشسته بود.

آری تاریخ زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی این‌گونه رقم خورد و بدون کمترین تردیدی، تفکیک و توضیح حقایق و واضح از جانب هر انسان آزاده و همچنین بر شماری بجا و تبلیغ هزار باره سیاست مقاومت و پایداری در برابر سیاست تسلیم و عقب‌نشینی در درون زندان‌ها به نوبه خود نماد وفاداری به افکار و اعمال یارانی‌ست که در دهه ترور، و در دهه جنگ و گریز و در دهه شصت، چه در درون زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی و چه در دیگر میادین متفاوت نابرابر و طبقاتی ایستادند و جان باختند.

یاد آن عزیزان گرامی باد!

۱۷ سپتمبر ۲۰۱۲

۲۶ شهریور [سنبله] ۱۳۹۱